

سبک‌شناسی قرآن کریم
«تحلیل زبانی»

ذألپف: حسین عبدالرئوف

فرجمه: پروپز آزادی

فهرست مطالب

۱۱ سخن ناشر
۱۵ مقدمه مترجم
۲۵ پیشگفتار مولف
۲۹ مقدمه مولف
۳۷ فصل ۱. ویژگی‌های زبانی و متنی گفتمان قرآن کریم
۳۷ ۱.۱. مقدمه
۳۷ ۲.۱. ویژگی‌های زبانی قرآن کریم
۳۷ ۱.۲.۱. التفات
۳۸ ۱.۱.۲.۱. التفات در شخص و عدد
۴۰ ۲.۱.۲.۱. التفات در زمان و حالت فعل
۴۱ ۳.۱.۲.۱. التفات در حروف ربط
۴۱ ۲.۲.۱. التفات جملات اسمیه و فعلیه
۴۳ ۳.۲.۱. آیات کوتاه و بلند
۴۳ ۴.۲.۱. جملات معترضه
۴۴ ۵.۲.۱. جملات شرطی
۴۵ ۶.۲.۱. جملات شارحه

- ۷.۲.۱. روابط ۴۶
- ۸.۲.۱. فقدان حرف ربط ۴۸
- ۹.۲.۱. دگرگونی معنایی حروف اضافه ۴۹
- ۱۰.۲.۱. جابجایی ۴۹
- ۱.۱۰.۲.۱. جابجایی به راست یا جلوانداختن ۴۹
- ۲.۱۰.۲.۱. جابجایی به چپ یا عقب انداختن ۵۰
- ۱۱.۲.۱. جملات فعلیه آغاز شونده با فعل یا اسم یا عبارت اسمیه ۵۲
- ۱۲.۲.۱. جملات اسمیه آغاز شونده با «إِنَّ» ۵۳
- ۱۳.۲.۱. جملات آغاز شونده با ضمیر ۵۳
- ۱۴.۲.۱. جملات مجهول ۵۴
- ۱۵.۲.۱. جملات سوالی ۵۴
- ۱۶.۲.۱. جملات امری ۵۶
- ۱۷.۲.۱. جملات خطابی ۵۶
- ۱۸.۲.۱. جملات تاکیدی ۵۷
- ۱.۱۸.۲.۱. تکرار ضمیر منفصل ۵۷
- ۲.۱۸.۲.۱. تکرار یک واژه یکسان ۵۷
- ۳.۱۸.۲.۱. کانون توجه قرار دادن یک عبارت ۵۸
- ۴.۱۸.۲.۱. اضافه کردن یک حرف اضافه ۵۸
- ۵.۱۸.۲.۱. به کار بردن یک حرف اضافه پیشوند در فعل زمان حال ۵۸
- ۶.۱۸.۲.۱. به کار بردن ادات استفتاح، همانند آلا، إذ، أم ۵۸
- ۱۹.۲.۱. جملات دعایی ۵۹
- ۲۰.۲.۱. جملات سوگند ۶۰
- ۲۱.۲.۱. جملات تعجبی ۶۱
- ۲۲.۲.۱. جملات صفات تفضیلی ۶۱
- ۲۳.۲.۱. جملات مدح و ذم ۶۲
- ۲۴.۲.۱. تغییر نحوی ۶۳

فهرست مطالب □ ۷

- ۲۵.۲.۱. بی قاعدگی نحوی..... ۶۴
- ۲۶.۲.۱. کلام منقول..... ۶۴
- ۲۷.۲.۱. حذف..... ۶۵
- ۱.۲۷.۲.۱. حذف اسم..... ۶۵
- ۲.۲۷.۲.۱. حذف اسم مفعول..... ۶۶
- ۳.۲۷.۲.۱. حذف صفت..... ۶۶
- ۴.۲۷.۲.۱. حذف فعل + فاعل..... ۶۷
- ۵.۲۷.۲.۱. حذف یک حرف و ادات نفی..... ۶۷
- ۲۸.۲.۱. به کار بردن اسم جمع که از نظر معناشناسی نشانگر اسم مثنی است... ۶۸
- ۲۹.۲.۱. به کار بردن اسم مفرد که از نظر معناشناسی نشانگر اسم جمع است... ۶۸
- ۳۰.۲.۱. به کارگیری اسم مفرد یا مثنی که از نظر معناشناسی نشانگر اسم جمع است... ۶۹
- ۳۱.۲.۱. به کارگیری اسم مفرد با فعل جمع..... ۷۰
- ۳۲.۲.۱. به کار بردن جمعی که از نظر معناشناسی نشانگر مفرد است..... ۷۰
- ۳۳.۲.۱. به کار بردن مثنایی که از نظر معنایی نشانگر جمع است..... ۷۱
- ۳۴.۲.۱. به کار بردن فعلی که باید در قالب صفت مفعولی می آمد..... ۷۱
- ۳۵.۲.۱. به کار بردن مصدر به جای صفت..... ۷۲
- ۳.۱. ویژگی های متنی قرآن..... ۷۲
- ۱.۳.۱. وصف شرطی و تداخلی..... ۷۲
- ۲.۳.۱. ساختارهای متشابه..... ۷۵
- ۳.۳.۱. عبارات خاتمه دهنده جملات..... ۷۶
- ۴.۳.۱. جملاتی با سبک و محتوای یکسان ولی با عبارات پایانی متفاوت..... ۷۷
- ۵.۳.۱. برابرنهاد..... ۷۸
- ۶.۳.۱. فن مجادله..... ۷۹
- ۷.۳.۱. فن سخنوری..... ۸۱
- ۸.۳.۱. فن روایت..... ۸۳
- ۹.۳.۱. فهرست کردن دستورالعمل ها..... ۸۳

۸۴ مضامین ارتباط‌دهنده	۱۰.۳.۱
۸۵ روابط درون‌متنی	۱۱.۳.۱
۸۵ در درون یک سوره	۱.۱۱.۳.۱
۸۵ در سوره‌های متوالی	۲.۱۱.۳.۱
۸۶ در سوره‌های مختلف قرآن	۳.۱۱.۳.۱
۸۶ تغییر سبک در بیان یک مضمون	۱۲.۳.۱
۸۷ عباراتی که از نظر ساختاری یکسان هستند ولی از نظر سبکی متفاوتند	۱۳.۳.۱
۸۸ تکرار	۱۴.۳.۱
۸۹ انسجام واژگانی	۱۵.۳.۱
۸۹ تکرار واژگان	۱.۱۵.۳.۱
۸۹ تکرار کلیشه	۲.۱۵.۳.۱
۹۰ تضاد	۳.۱۵.۳.۱
۹۰ کلمات مرتبط ساخت‌واژه‌ی	۴.۱۵.۳.۱
۹۱ واژه‌های متأثر از بافت	۱۶.۳.۱
۹۲ واژه‌های متأثر از هم‌متن	۱۷.۳.۱
۹۳ طول جملات	۱۸.۳.۱
۹۴ قافیه آیات	۱۹.۳.۱
۱۰۵ فصل ۲. تغییرات نحوی و تفاوت سبکی	
۱۰۵ مقدمه	۱.۲
۱۰۶ انواع تغییرات نحوی	۲.۲
۱۰۶ چینش کلمات	۱.۲.۲
۱۲۳ چینش ثابت واژه‌ها	۱.۱.۲.۲
۱۲۵ شکل ساخت‌وازی	۲.۲.۲
۱۴۶ وضعیت پایانی [اعراب]	۳.۲.۲
۱۵۲ مفرد و جمع	۴.۲.۲
۱۶۷ اسامی معرفه و نکره	۵.۲.۲

۱۷۰.....	۶.۲.۲. مذکر و مؤنث
۱۷۷.....	۷.۲.۲. شخص
۱۸۱.....	۸.۲.۲. زمان حال و گذشته
۲۰۳.....	فصل ۳. ویژگی‌های بافتی و هم‌متنی
۲۰۳.....	۱.۳. مقدمه
۲۰۴.....	۲.۳. بافت و واژگان
۲۲۱.....	۱.۲.۳. مولفه‌های معنا ساز
۲۲۹.....	۲.۲.۳. واژگان پایان-آیه‌ای
۲۴۵.....	۳.۳. هم‌متن و واژه‌ها
۲۵۸.....	۴.۳. عوامل آوایی
۲۹۱.....	فصل ۴. شبکه پیوسته و تغییر سبک
۲۹۱.....	۱.۴. مقدمه
۲۹۱.....	۲.۴. حذف
۲۹۲.....	۱.۲.۴. حذف سبکی
۲۹۲.....	۱.۱.۲.۴. عطف‌ها
۳۱۲.....	۲.۱.۲.۴. حروف
۳۲۰.....	۳.۱.۲.۴. حروف اضافه
۳۲۴.....	۴.۱.۲.۴. افزودن عناصر
۳۳۶.....	۵.۱.۲.۴. حذف عناصر
۳۴۴.....	۲.۲.۴. حذف‌های دستوری
۳۴۸.....	۳.۴. جایگزینی
۳۶۷.....	فصل ۵. تفاوت گفتمان
۳۶۷.....	۱.۵. مقدمه
۳۶۸.....	۲.۵. ناسازگاری دستوری

۳۸۲.....	۱.۲.۵. عدم تجانس مذکر و مونث.....
۳۸۸.....	۲.۲.۵. عدم تجانس جمع مونث سالم.....
۳۹۱.....	۳.۲.۵. عدم تجانس مرفوع منصوب.....
۳۹۶.....	۴.۲.۵. عدم تجانس شکل ساخت‌وازی.....
۳۹۹.....	۵.۲.۵. ناسازگاری مفرد و مذکر.....
۴۰۴.....	۳.۵. ناسازگاری معنایی.....
۴۱۳.....	۴.۵. حشو معنایی.....
۴۱۶.....	۵.۵. محدودیت‌های انتخابی.....
۴۱۸.....	۶.۵. تکرار.....
۴۱۹.....	۱.۶.۵. تکرار واژه‌ها.....
۴۲۳.....	۲.۶.۵. تکرار یک بافت.....
۴۳۳.....	۳.۶.۵. تکرار مضمون.....
۴۳۴.....	۴.۶.۵. تکرار داستان.....
۴۳۶.....	۵.۶.۵. ارائه سبکی.....

فصل ۶. موضوع و الگوهای سبکی..... ۴۴۷

۴۴۷..... ۱.۶. مقدمه.....

۴۴۷..... ۲.۶. موضوع و تغییر سبک.....

فصل ۷. نتیجه‌گیری..... ۵۰۹

۵۲۹..... فهرست منابع.....

۵۳۵..... نمایه موضوعی.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبّر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء (۱۷). آیه شریفه ۹)، «صدور حکمت» (وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمَ - سوره مبارکه یس (۳۶) - آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة (۵۶). آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الکهف-۱۸. آیه شریفه ۵۴). این

خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راه‌نما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان متفی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستند را در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان اتکاء نماید؛ چنان که فرموده است: **إِنَّا نَحْنُ ذُرِّيَّتْنَا الذُّكْرَىٰ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (قرآن کریم، سوره مبارکه الحجر (۱۵)، آیه شریفه ۹).

با این مبنا و با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره‌ای، آشکار می‌گردد. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام به عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تاسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کژی و انحراف دور باشد (أَفَعَنْ أُسُسٍ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أُسُسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شِقَاقٍ جُرْفٍ هَارٍ - قرآن کریم، سوره مبارکه التوبه (۹) بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا ﷺ پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دانند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر بازداشته شوند؛ **«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»** (قرآن کریم، سوره مبارکه الفرقان (۲۵)، آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ همزمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ بویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راه‌نمایی‌های ارایه شده از معصومین علیهم السلام، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَتَنْزِيلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه الاسراء (۱۷)). بخشی از آیه شریفه (۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

و لله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه مترجم

سبک اصطلاحی قدیمی است ولی سبک‌شناسی در چند قرن اخیر به وجود آمده است. نخستین کسانی که به سبک توجه کردند، کسانی بودند که به بررسی شیوه‌های سخنوری پرداختند. افلاطون اولین کسی است که به مساله سبک اشاره کرد؛ از نظر افلاطون، هرگاه معنایی صورت مناسب خود را پیدا کند، سبک به وجود می‌آید. بعد از افلاطون کسی که در این زمینه نام و اثری از او به جا مانده است ارسطو است. او در کتاب «فن سخنوری» مساله سبک را پیگیری کرد.

بحث درباره سبک، تنها مورد توجه ادبا و منتقدان و محققان ادبی نیست، بلکه سال‌هاست که توجه زبان‌شناسان را هم به خود جلب کرده است و در مقابل سبک‌شناسی ادبی^۱، سبک‌شناسی زبان‌شناسانه^۲ به وجود آمده است. در پی بررسی‌های زبان‌شناختی اواخر قرن نوزدهم، و پس از انقلابی که «فردینان دو سوسور» در زبان‌شناسی پدید آورد، زبان‌شناسی ساختاری رشد یافت. پس از پیدایش و گسترش ساخت‌گرایی، انقلاب تازه‌ای در سبک‌شناسی پدیدار شد. ساخت‌گرایی توانست سبک‌شناسی را دانش مستقلی گرداند. از این پس روش‌ها و ابزارهای سبک‌شناسی از زبان‌شناسی گرفته شد؛ بنابراین، دو ویژگی مهم سبک‌شناسی نوین، پژوهش زبان‌شناختی و تعیین ادبیات است.

زبان‌شناس بیشتر به دنبال سیستم زبانی است که سبک در آن پنهان است. از این رو، زبان‌شناسی به محتوا توجه ندارد و همه چیز را در فرم یعنی زبان می‌جوید. مساله مهم سبک‌شناسی ساختاری تعیین موضوع است. این موضوع، واحد معینی است که سبک‌شناس خود آن را به دلیل داشتن جاذبه‌های خاص انتخاب می‌کند و در توصیف جنبه زبان‌شناختی آن جاذبه با ارزش عمل می‌کند. موضوع سبک‌شناسی می‌تواند یک واژه، یک مصراع، یک قطعه شعر، فصلی از اثری، یا کلیت یک اثر (یک نمایشنامه، یک قصه بلند) مجموعه آثار نویسنده‌ای، یک نوع ادبی یا هر عمل بیانی دیگر باشد. این واحد که به اراده پژوهشگر تعیین می‌شود، به عنوان کلیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که دارای روابط متقابل داخلی است. ارتباط همه عناصر سازنده واحد با مجموعه و رابطه عناصر با یکدیگر تحلیل می‌شود. هیچ‌یک از سازه‌های این واحد دارای ارزش مستقل، دلالت مستقل و حیات مستقل نیست. از دیدگاه ساخت‌گرایی، در هیچ ساختاری عنصر خودمختار وجود ندارد.

سبک‌شناسان در بررسی‌های خود متوجه شدند که هر زبان طرز بیان خاصی دارد که با طرز بیان سایر زبان‌ها متفاوت است. این‌گونه بررسی‌ها را می‌توان بررسی یافت سخن دانست. مطالعه یافت سخن بیش از پیش ادامه یافت، فهرست جامعی از این طرزهای ملی سخنگویی فراهم شد. وقتی سخن از نوع گفتار شد، خود به خود پای ادبیات و قلمرو زبان‌شناختی آن به میان آمد. در عرف ادبیات نباید سبک با نوع ادبی اشتباه شود. نوع ادبی همان شکل ادبی است که گوینده یا نویسنده به اثر خود می‌دهد. مثل نوع درام یا نوع کمیک. اما در سبک از سنجیه عمومی اثر از لحاظ موضوع و انعکاسات محیط بحث می‌شود. بنابراین سبک هم فکر، هم جنبه ممتاز و هم شکل

تغییر را در نظر می‌گیرد، در صورتی که نوع فقط شکل انشاء را بیان می‌کند. سبک و نوع از هم بی‌نیاز نیستند و لازم و ملزوم هم هستند.

سبک‌شناسی به شکل یک رشته نیمه مستقل پدیده‌ای نوظهور است. پیشرفتی است در جریان توصیف‌های زبان‌شناختی که با رشد موضوعات و رشته‌های آکادمیک چون نقد ادبی و زبان‌شناسی مرتبط است. به طور کلی، توان تحلیلی سبک‌شناسی نوین عمدتاً ریشه در روش‌های تحلیلی و توصیفی زبان‌شناسی دارد. در عین حال، سبک‌شناسی ادبی نوین، علاوه بر استفاده از زبان‌شناسی، از توان تعبیری نقد ادبی مدرن هم بهره می‌برد. در واقع امروزه سبک‌شناسی نظامی است میان زبان‌شناسی و نقد ادبی جدید؛ چراکه هم بحث‌های زیبایی‌شناسی و ارزش‌گذاری و قضاوت دارد و هم بر یافته‌های زبان‌شناسی تکیه دارد. جدیدترین تعریفی که از سبک وجود دارد این است که سبک، وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد؛ یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و پیاپی در آثار شخصی است که توجه خواننده دقیق و کنجکاو را جلب می‌کند و عوامل و مختصات سبک‌ساز معمولاً و غالباً پوشیده و پنهان هستند. عوامل سبک‌ساز اثر ممکن است حتی برای متخصصان هم، روشن و شناخته نباشد؛ چون ممکن است در باطن اثر ادبی و در ژرف‌ساخت آن، عوامل و قوانین پنهان مکرری باشد که منجر به آن سبک شده است.

کتابی که پیش‌روی شماست، اثری از حسین عبدالرئوف، استاد دانشگاه لیدز است. تخصص وی ادبیات عرب و زبان‌شناسی است. وی در این اثر متن قرآن کریم را در قالب سبک‌شناسی‌ریال تحلیل زبانی کرده است. این اثر دارای ویژگی‌هایی است:

۱. کتاب حاضر می‌تواند بسیاری از شبهاتی که درباره تناقض و تضاد ظاهری آیات در قرآن کریم مطرح می‌شود را پاسخ دهد. این کتاب بر

اساس قواعد سبک‌شناسی و بررسی دقیق دستور زبان عربی و نکات تفسیری به این مساله در فصل‌های مختلف پرداخته است. در واقع این اثر تعداد قابل توجهی از مشکلات تفسیری را برطرف می‌کند و توجیحات بسیار مناسب و به روزی آنها ارائه می‌کند. البته شایان ذکر است که برخی از این وجوه در کتب تفسیری آمده است و اینکه ایشان توانسته است آنها را به این شکل دسته بندی و منقح نماید اثر کم‌نظیری است.

۲. در این کتاب گستره فراوانی از آیات قرآن کریم مورد بررسی سبک‌شناسی قرار گرفته است به نحوی که ۱۷۵۲ آیه در آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۳. مولف تقسیم بندی قابل توجهی در موضوع و خصوصاً در یافتن آیات دارد؛ او به خوبی توانسته است تمامی آیات غیر مشابه یک موضوع را جمع کند و درباره آنها بحث نماید. از این نظر این کار به طور جد قابل تقدیر است.

۴. قابل ذکر است مولف در تبیین برخی تحلیل‌های زبانی سبک‌شناسی به خطا رفته است؛ در مواردی که این اشتباهات بسیار برجسته بود، مترجم با ذکر پاورقی به تصحیح یا ذکر اشتباه مربوطه اشاره کرده است. از آنجا که تبیین تمامی این موارد از حوصله ترجمه کتاب بیرون است و موجب تطویل پاورقی‌ها می‌شد از تبیین تمامی این موارد صرف‌نظر شد.

۵. در این کتاب اصطلاحات تخصصی سبک‌شناسی آمده است که قبل از ورود به کتاب مهمترین آنها که بسیار هم تکرار شده است به صورت مختصر بر اساس مثال‌های قرآنی درون کتاب، توضیح داده می‌شود:

بافت: هر آیه بافتی دارد که آن را دربر گرفته است؛ این بافت می‌تواند در درون خود آیه و یا از تشکیل چند آیه به وجود بیاید، همانند آیه ۱۵ سوره احقاف:

«وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِالذِّمَّةِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

بافت این آیه توصیف جزئیات زحماتی است که پدر و مادر برای فرزند متحمل می‌شوند به همین دلیل در این آیه از واژه «احسانا» برای نشان دادن وصیت به انسان درباره پدر و مادر به کار رفته است تا نشان دهد که او زحمت فراوانی کشیده است و انسان هم در برابرش باید احسان فراوانی بکند. در حالی که در آیه ۸ سوره عنکبوت، در ساختاری مشابه ساختار آیه فوق، واژه «حُسنا» به کار رفته است.

«وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِالذِّمَّةِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

بافت این آیه جزئیات آیه فوق را ندارد و به همین جهت لزومی به آوردن واژه احسان نیست.

بافتِ موقعیت: به واژه‌ها، جملات و آیاتی که یک واژه، جمله یا آیه را در برگرفته است بافتِ موقعیت آن گفته می‌شود. به عنوان مثال بافتِ موقعیت آیه ۱۲ سوره نمل آیات ۱۱-۱۴ این سوره است:

«إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ. وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ يَيْضَاءً مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتِ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ. فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً